

China and Japan Position in ASEAN Economic Policy

Bahareh Sazmand^{1*} – Ahmad Ramezani²

Abstract

China and Japan are now introducing as the largest ASEAN trading partners. This article main question is how China and Japan's position in ASEAN's economic policy be assessed? The findings reveal the fact that Southeast Asia as a whole is not fully inclined towards any of the two countries, and for this reason, ASEAN countries have tried to diversify their trading partners in order to Prevent unilateral and excessive dependence; However, some of these countries inclined to China and some are keen on Japan. This is for the reason that China and Japan have a high dominancy in various areas of trade and investment among ASEAN countries, and these countries tend to balance the two powers in their interactions (Japan through technology, and China through consumer markets and economic volume). This article is a qualitative one, where it seeks to analyze China-Japan's position in ASEAN's economic policy as well as China-Japan's priorities among the countries in the region. Besides, the compilation method is a documentary one.

Keywords: China, Japan, ASEAN, Trade, Cooperation, Dependence.

-
1. *Associate Professor of Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Corresponding Author: (bsazmand@ut.ac.ir)
 2. PhD Student in Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.



جایگاه چین و ژاپن در سیاست اقتصادی آسه‌آن

بهاره سازمند^{*۱} - احمد رضانی^۲

چکیده

در حال حاضر هرکدام از دو کشور چین و ژاپن به عنوان بزرگ‌ترین شرکای تجاری آسه‌آن معرفی می‌شوند. سؤال اصلی مقاله این است که جایگاه چین و ژاپن در سیاست اقتصادی آسه‌آن چگونه ارزیابی می‌شود؟ یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر این واقعیت است که جنوب شرق آسیا به عنوان یک کل واحد به سمت هیچ‌کدام از دو کشور تمایل کامل ندارد و آسه‌آن به عنوان یک نهاد سعی کرده است با تنوع‌دهی به شرکای تجاری خود از وابستگی یک‌جانبه و بیش از حد جلوگیری کند، اما برخی از کشورهای آسه‌آن متمایل به چین و برخی متمایل به ژاپن هستند و دلیل آن هم اولویت چین و ژاپن در حوزه‌های مختلف تجارت و سرمایه‌گذاری کشورهای آسه‌آن و تمایل کشورهای مزبور در ایجاد تعادل بین این دو قدرت (ژاپن به واسطه فن‌آوری و چین به واسطه بازار مصرف و حجم اقتصادی) است. مقاله حاضر از نوع کیفی است و با عنایت به استفاده از آن، سعی می‌شود جایگاه چین و ژاپن در سیاست اقتصادی آسه‌آن و همچنین اولویت‌های چین و ژاپن از میان کشورهای منطقه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. روش گردآوری مطالب نیز اسنادی است.

واژگان کلیدی: چین، ژاپن، آسه‌آن، تجارت، همکاری، وابستگی.

۱. «دانشیار مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول:

(bsazmand@ut.ac.ir)

۲. دانشجوی دکترا مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۱- مقدمه

آسه‌آن. (اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا) در سال ۱۹۶۷ ایجاد شد. این نهاد: اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند، برونئی (۱۹۸۴)، ویتنام (۱۹۹۵)، لائوس (۱۹۹۷)، میانمار (۱۹۹۷) و کامبوج (۱۹۹۹) را شامل می‌شود که پنج کشور اصلی، بنیان‌گذاران آسه‌آن. هستند و پنج کشور جدیدتر از دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به اتحادیه پیوستند. منظور از کشورهای اصلی، پنج کشور مالزی، اندونزی، تایلند، فیلیپین و سنگاپور است که این کشورها رشد اقتصادی را زودتر از پنج کشور دیگر آسه‌آن. و در دهه ۱۹۵۰ یا ۱۹۶۰ آغاز کردند.

حضور ژاپن در منطقه جنوب شرق آسیا به جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد که در سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۴، در حال استعمار منطقه جنوب شرق آسیا بود و در سال ۱۹۴۵ به تبع استقلال خواهی منطقه، استعمار به پایان رسید. پس از شکست در جنگ جهانی دوم، ژاپن دو دهه از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ را به دنبال ازسرگیری روابط با کشورهای همسایه و رشد و توسعه اقتصادی گذراند تا در دهه ۱۹۷۰ حضور این کشور به تبع قدرت اقتصادی که به دست آورده بود (قدرت اقتصادی دوم جهان)، در منطقه جنوب شرق آسیا رو به فزونی گذاشت.

در مقایسه با ژاپن، چین برای اولین بار در سال ۱۹۹۱ تمایل خود برای همکاری با آسه‌آن را مطرح کرد، اما در سال ۱۹۹۶ (در بیست و نهمین نشست وزرا آسه‌آن در جاکارتا^۱)، توانست وضعیت گفتگوی کامل با آسه‌آن را به دست آورد. به همین دلیل، حضور ژاپن در این منطقه از سابقه تاریخی طولانی‌تری برخوردار است. چین نیز کشوری در حال ظهور است که در دهه ۱۹۸۰، سیاست اقتصاد باز را اتخاذ کرد و در دهه ۱۹۹۰ در حال انطباق باسیاست جهانی بود. این کشور نیز از اواخر دهه ۱۹۹۰ به دنبال نقش فعال‌تری در منطقه جنوب شرق آسیا برآمد. رقابت‌های چین و ژاپن بعد از دهه ۱۹۸۰ و به‌ویژه بعد از بحران پولی و مالی سال ۱۹۹۷ به‌صورت جدی تشدید شد و این دو کشور در راستای سبقت گرفتن از دیگر رقیب خود، پیوسته در حال فعالیت‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه اقتصادی هستند. آسه‌آن به عنوان کلی به هم پیوسته نیز دوشادوش این دو کشور، به همکاری اقتصادی با آن‌ها سوق پیدا کرده است. در اینجا سؤال اصلی مقاله این است که جایگاه چین و ژاپن در سیاست اقتصادی آسه‌آن چگونه

^۱. پایتخت اندونزی

ارزیابی می‌شود؟

سؤال‌های فرعی نیز بدین شکل مطرح می‌شوند که ۱- هرکدام از این دو کشور در کدام کشورهای آسه‌آن نفوذ بیشتری دارند و یا سعی دارند نفوذ خود را افزایش دهند؟ ۲- کدام کشورهای آسه‌آن به چین و کدام کشورهای این نهاد به ژاپن تمایل بیشتری دارند؟ مقاله حاضر از نوع کیفی است که با عنایت به استفاده از روش مزبور و با در نظر گرفتن رویکردی مقایسه‌ای، سعی می‌شود جایگاه چین و ژاپن در سیاست اقتصادی آسه‌آن و همچنین اولویت‌های چین و ژاپن از میان کشورهای منطقه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به این ترتیب لازم است ابتدا چارچوب نظری وابستگی متقابل را تشریح کنیم و سپس به تفصیل، تجربه‌های چین و ژاپن در رابطه با کشورهای آسه‌آن در این زمینه را مورد بررسی قرار دهیم.

۲- چارچوب نظری: وابستگی متقابل

در دهه ۱۹۵۰ ویژگی غالب نظام بین‌الملل منازعه بود. به طوری که نظامی‌سازی جنگ سرد، طرح صف‌بندی‌های سیاسی منطقه‌ای (شرق در مقابل غرب) را با اولویت‌های متمرکز درون این بلوک‌ها و گزینه‌های محدود بین آن‌ها، تشدید کرد. در دهه ۱۹۷۰ مشخصه اصلی نظام بین‌الملل: روابط پیچیده، چندگانه و مشتمل بر منازعه و همکاری مشترک بود. تنش‌زدایی، صف‌بندی‌های جنگ سرد را کمرنگ کرد و مسائل جدید، به ویژه مسائل اقتصادی، سیاسی شدند. برخلاف دهه ۱۹۵۰ که گزینه‌ها بسیار کم و اطمینان از نتایج آن بسیار زیاد بود، در این دوره، حکومت‌ها نسبت به آسیب‌پذیری ناشی از تکرر گزینه‌های جایگزین و ابهام موجود در پس نتایج خود آگاه بودند (اگرچه انتخاب و کارایی آن دشوارتر گشت، اما گزینه‌ها [منظور سیاست‌های انتخابی] متعددتر شدند). با این پیش‌زمینه، رویکردهای مطالعه سازمان‌ها و سیاست بین‌الملل به دیدگاه‌های وابستگی متقابل تغییر جهت داده‌اند که بر تعاملات چندگانه، نقش برجسته مسائل اقتصادی و از بین رفتن سلسله مراتب و کنترل تأکید دارند (Nau, 1979: 119). به طور کلی وابستگی متقابل واجد بستر تکثرگرایی است و انواع آن در قالب نظریات اندیشمندانی مانند ریچارد روزکرانس^۱ جیمز روزنا^۲ ریچارد کوپر^۳ جوزف نای^۴ و

^۱ Richard Rosecrance

^۲ James Rosenau

^۳ Richard Cooper

^۴ Joseph Nye

رابرت کیوهان^۱ تبلور یافته است. در واقع مفهوم وابستگی متقابل را می‌توان ذیل نظریات مربوط به همگرایی اعم از: کارکردگرایی، نو کارکردگرایی و ارتباطات بیابیم. خاستگاه این نظریه را می‌توان در قالب فکری تکثرگرایان که بر مبنای تحول مفهوم قدرت است، جستجو نمود. از آنجا که قدرت ماهیتی چند بعدی پیدا کرده و حتی با سرنوشت‌ساز بودن قدرت نظامی در حال حاضر؛ ولیکن مبادلات انسانی به وجهی درآمده است که استفاده از این قدرت در موارد بسیار استثنایی می‌تواند رخ دهد. قدرت رایج که به طور دائم مورد استفاده قرار می‌گیرد، قدرت اقتصادی و دانش فنی است. از اواخر قرن بیستم، روابط بین‌الملل به صورت یک مجموعه مشبک و تار عنکبوتی (برگرفته از ارنست هاس)^۲ درآمده و خواسته و ناخواسته، سرنوشت کشورها و گروه‌های ذی‌نفوذ و حتی افراد به یکدیگر پیوند خورده است (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۳۸۲-۳۸۳). برخلاف مبنای جغرافیایی در همگرایی منطقه‌ای و احتمال بروز دولتی فوق ملی، گروهی از اندیشمندان بین‌آرمان‌گرایی فلسفی و واقعیت‌عینی نیاز انسان به قدرت، تلفیق ایجاد کرده و مدل وابستگی متقابل را ارائه داده‌اند. این اندیشمندان معتقدند که تمایلات ملی‌گرایانه از بین نخواهد رفت. در هر برهه زمانی و در هر منطقه جغرافیایی، نیازهای انسانی به امنیت ایجاب می‌کند تا واحدی به نام دولت به بقا خود ادامه دهد. کارکرد دولت امنیت است، اما با گذر زمان، توسعه و پیشرفت، ممکن است ماهیت امنیت از وجودی به رفاهی و ابزار آن از نظامی به اقتصادی-فنی-فرهنگی تبدیل شود. پس دولت از بین رفتنی نیست، اما دلیلی ندارد که رابطه بین کشورها صرفاً تعارضی باشد. می‌توان پیش‌بینی کرد که دولت‌ها خواهند توانست آمیخته‌ای از تعارض و همگرایی را در قالب مبادلات خود بگنجانند (تعارض منافع موجب حفظ موجودیت دولت و زمینه‌های مشترک منافع، دولت‌ها را به همکاری و تعاون و می‌دارد) (سیف‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۳۶-۱۳۷).

کوهن و نای وابستگی را وضعیتی می‌دانند که توسط نیروهای خارجی تعیین می‌شود و یا به طور قابل توجهی تحت تأثیر آن‌ها هستند. وابستگی متقابل در ساده‌ترین تعریف، به معنای وابستگی دوجانبه (دوطرفه) است (Keohane & Nye, 2012: 7). کوپر وابستگی متقابل را در بعد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهد و معتقد است این مفهوم به معنی: حساسیت تعاملات اقتصادی میان دو یا چند کشور به تحولات اقتصادی درون آن‌ها اشاره دارد (Cooper, 1972: 159). روزکرانس نیز وابستگی متقابل را پیوند مثبت

^۱. Robert Keohane

^۲. Ernest Haas

و مستقیم منافع دولت‌ها تعریف می‌کند که در این صورت تغییر جایگاه یک دولت، بر موقعیت دیگران در جهت مشابه تأثیر می‌گذارد (هم به صورت افقی مانند جریان کالا و هم به صورت عمودی نظیر قیمت آن) (Rosecrance et al, 1977: 425). ما همچنین باید مراقب باشیم که وابستگی متقابل کامل را با وابستگی دوجانبه نامتقارن، یکسان تعریف نکنیم. وضعیت نامتقارن^۱ به احتمال زیاد، منابع نفوذ را در تعامل بین کشورها فراهم می‌کند. بازیگران کمتر وابسته اغلب می‌توانند از روابط به هم وابسته به عنوان منبع قدرت در چانه‌زنی در مورد مسئله‌ای خاص و شاید برای تحت تأثیر قرار دادن دیگر مسائل استفاده کنند. در شکل افراطی دیگر، تقارن^۲ کامل، وابستگی متوازن، اما این وضعیت بسیار نادر است. اکثر موارد بین این دو حالت افراطی هستند (Keohane & Nye, 2012: 9). به عبارت دیگر، وقتی صادرات و واردات دو کشور برابر باشد، یعنی تراز تجاری نه مثبت باشد و نه منفی، وابستگی متقارن و زمانی که صادرات و واردات دو کشور برابر نباشد، یعنی دارای تراز مثبت یا منفی باشد، وابستگی نامتقارن به وجود می‌آید. در انتهای این بخش ذکر سطح تحلیل نیز می‌تواند در بررسی مباحث موردنظر مفید واقع شود.

به صورت کلی سه سطح روابط و مبادلات متقابل بین چین [او ژاپن] با آسه‌آن وجود دارد. سطح اول بین چین [او ژاپن] و آسه‌آن به عنوان سازمانی بین‌المللی (روابط بین یک کشور و یک سازمان بین‌المللی)؛ دوم روابط بین چین [او ژاپن] با اعضای آسه‌آن از طریق آسه‌آن (مجموع آسه‌آن) و سوم، رابطه بین چین [او ژاپن] و تک‌تک دولت‌های عضو آسه‌آن (روابط دوجانبه دولت با دولت) (Keyuan, 2009: 7). کوهن و نای نیز دو سطح سیاست داخلی و سیاست بین‌الملل یا خارجی را در ارتباط و پیوند با هم می‌دانند و تأکید دارند که جدایی بین این دو سطح دشوار است. با در نظر گرفتن این واقعیت، می‌توان به این نتیجه رسید که نظریه وابستگی متقابل را بهتر است با ترکیب دو سطح تحلیل خرد و کلان مورد بررسی قرار داد (Keohane & Nye, 2012: xvii). در ادامه، علاوه بر در نظر گرفتن روابط دو گروه کشورهای آسه‌آن (کشورهای اصلی و کشورهای جدیدتر آسه‌آن)، سعی خواهد شد سه سطح تحلیل بالا در روابط بین چین و ژاپن با آسه‌آن مدنظر قرار گیرد.

¹. asymmetry

². symmetry

۲. شکل‌گیری موضع آسه‌آن در مقابل چین و ژاپن

در تاریخ روابط بین‌الملل قرن ۱۹، قرن اروپا نام‌گذاری شده است، از اوایل قرن ۲۰، روابط قدرت ایالات‌متحده و امپراتوری بریتانیا دچار اصطکاک شد و در نهایت در اواسط قرن و بعد از جنگ جهانی دوم به دلیل سلطه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایالات‌متحده، قرن ۲۰ به نام این ابرقدرت، قرن آمریکا نام گرفت (Abravanel, 2012:11). قاره آسیا در قرن حاضر، شاهد رشد و شکوفایی عظیمی بوده است، به طوری که توجه جهان را به خود جلب کرده و این امر باعث شده است پیش‌بینی‌هایی مبنی بر نام‌گذاری قرن ۲۱ با عنوان قرن آسیا صورت بگیرد (Nagy et al: 2013:7). یکی از مناطق مهم آسیا، منطقه جنوب شرق آسیا است که کشورهای این منطقه، رشد اقتصادی شگفت‌انگیزی را در تاریخ رشد کشورهای در حال توسعه به ثبت رسانیده‌اند (Zhuang et al: 2013:18). ژاپن که کشوری صنعتی محسوب می‌شود، نقش مهمی در توسعه و پیشرفت این منطقه داشته است (Yamashita, 1995:340). حضور ژاپن در منطقه جنوب شرق آسیا به جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد که در سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۴، در حال استعمار منطقه جنوب شرق آسیا بود و در سال ۱۹۴۵ به تبع استقلال‌خواهی منطقه، استعمار به پایان رسید (Federspiel, 2007:122). پس از شکست در جنگ جهانی، ژاپن دو دهه از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ را به دنبال ازسرگیری روابط با کشورهای همسایه و رشد و توسعه اقتصادی گذراند (Yasutomo, 2000: 148)؛ تا در دهه ۱۹۷۰ حضور این کشور به تبع قدرت اقتصادی که به دست آورده بود (قدرت اقتصادی دوم جهان)، در منطقه جنوب شرق آسیا رو به فزونی گذاشت (Jianwei, 2013:66). به همین دلیل، حضور ژاپن در این منطقه از سابقه تاریخی طولانی‌تری برخوردار است. چین نیز کشوری در حال ظهور است که در دهه ۱۹۸۰، سیاست اقتصاد باز را اتخاذ کرد و در دهه ۱۹۹۰ در حال انطباق با سیاست جهانی بود، این کشور نیز از اواخر دهه ۱۹۹۰ به دنبال نقش فعال‌تری در منطقه جنوب شرق آسیا برآمد. روابط ژاپن با آسه‌آن را می‌توان به چند دوره تقسیم کرد؛ اول، دوره اشغال این منطقه در جنگ جهانی دوم یعنی ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۴ توسط ژاپن که در این دوره ژاپن منطقه را به عنوان مستعمره خود در آورده بود؛ دوم، دوره عادی‌سازی روابط که با کمک ایالات‌متحده پیگیری شد و تا اواخر دهه ۱۹۶۰ ادامه داشت؛ در دوره سوم، با دکتترین فوکودا^۱ ژاپن در سال ۱۹۷۷،

^۱. fukuda doctrine

روابط دوجانبه مجدداً از سر گرفته شد و همکاری‌ها افزایش یافت. در این دوره که تا بحران پولی و مالی آسیای شرقی ادامه داشت، ژاپن در منطقه تسلط کامل داشت؛ چهارم، از اوایل دهه ۱۹۹۰ تسلط ژاپن به تدریج در طول دو دهه کاهش یافت و تا سال ۲۰۱۶ تقریباً نصف شد (البته در مقایسه با سهم کل). اینجا بود که تجارت بین ژاپن و آسه‌آن به وضعیت وابستگی متقابل رسید.

انزوای سیاسی و اقتصادی که چین تا آغاز حادثه سرکوب میدان تیان‌آن‌من^۱ در ۱۹۸۹ با آن مواجه بود، انگیزه‌ای شد برای چین تا روابط با کشورهای آسه‌آن. را در بستر راهبردی جامع دنبال کند. این بخشی از هدف مورد نظر سیاست خارجی چین بود که در قالب جهان چندقطبی شکل گرفت. در سطح دیپلماتیک، راهبرد اصلی چین، اثبات این ادعا به کشورهای جنوب شرق آسیا بود که ظهور چین تهدیدی برای همسایگان کوچک‌تر این کشور نیست. مقامات چینی اظهار می‌داشتند، مفهوم تهدید چین چیزی بیش از یک تاکتیک سیاسی نیست که توسط حکومت و سرویس‌های غربی به کار گرفته شده است. در عمل، چین اقدامات با نیت ایجاد تصویر عمومی همکاری، دوستی و منافع مشترک با آسه‌آن. را در پیش گرفت. این هدف راهبردی، حکومت چین را به سمت تشدید مذاکرات سطح بالا با حکومت‌های آسه‌آن. و عضویت در هنجارها و قواعد مشارکت دیپلماتیک که آسه‌آن. ایجاد کرده بود سوق می‌داد. جو عمومی روابط سیاسی بین چین و آسه‌آن. بهبود یافت، اگرچه بدون مشکل نبود. بخش دوم راهبرد پسا جنگ سرد چین، تقویت روابط اقتصادی با دولت‌های جنوب شرق آسیا، ابتدا در سطح دوجانبه بود. برای چین، تجارت با این کشورها، باید قبل از روابط دیپلماتیک شکل می‌گرفت (Zha, 2004:239). قبل از ۱۹۹۵، چین درباره اهمیت مشارکت در سازمان‌های چندجانبه منطقه‌ای تردید داشت و ترجیح می‌داد با همسایگان خود و قدرت‌های اصلی معاملات را بر پایه دوجانبه انجام دهد. در طول ۱۹۹۰، در صورتی که منطقه‌گرایی در اتحادیه اروپا و موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی^۲ رشد کرد، منطقه‌گرایی در آسیای شرقی از رشد بازماند. در این دوره سیاست چین نسبت به منطقه‌گرایی، منفعلانه بود اما از اواخر دهه ۱۹۹۰، این کشور سیاست منفعلانه خود را نسبت به منطقه‌گرایی تغییر داد و فعالانه در اکثر رژیم‌های چندجانبه منطقه‌ای مشارکت کرد. چین نه تنها مشارکت‌کننده بلکه رهبر فعالی هم در همکاری منطقه‌ای

^۱. tiananmen

^۲. north american free trade agreement (NAFTA)

آسیا است (Pu, 2017:112,113).

برای چین، روابط با کشورهای همسایه در اواخر ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰ از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار شد، در نتیجه، رویکرد دیپلماسی پیرامونی چین از مو لین یوها^۱ (دوست و همسایه خوب) به یو لین، ان لین و فو لین^۲ (همسایگی شکوفا، دوستانه و صلح‌آمیز) تغییر کرد. کشورهای جنوب شرقی آسیا از اینکه چین به رقیبی نیرومند در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بازار صادرات تبدیل شود نگران بودند. در همین راستا، با آگاهی از نگرانی جنوب شرق آسیا، بیجینگ^۳ همکاری اقتصادی گسترده را به‌عنوان راه‌حلی در جهت کاهش نگرانی و ایجاد شرایط برد-برد مدنظر قرارداد (Xinbo, 2009:57,58). در سال ۱۹۹۱ وزیر امور خارجه چین در جلسه افتتاحیه بیست و چهارمین نشست وزرا آسه‌آن. در مالزی شرکت کرد. چین تمایل شدید خود برای ایجاد همکاری با آسه‌آن. را برای سود متقابل اعلام کرد. در سال ۱۹۹۵، دو طرف کمیته علوم و فنون مشترک آسه‌آن-چین را برای طراحی، تصویب، هماهنگی، نظارت و ارزیابی برنامه‌ها و اقدامات همکاری‌جویانه به وجود آوردند. چین در سال ۱۹۹۶ به وضعیت شریک کامل مذاکراتی در بیست و نهمین نشست وزرا آسه‌آن. در جاکارتا اندونزی درآمد. در سال ۱۹۹۷ رئیس‌جمهور چین، جیانگ زمین^۴ و رهبران آسه‌آن. اولین نشست غیررسمی خود را برگزار و بیانیه مشترکی را در راستای ایجاد مشارکت مبتنی بر همسایه خوب و اعتماد متقابل در قرن ۲۱ منتشر کردند (Yang & Heng, 2012:54). چین خیلی دیرتر از ژاپن دیپلماسی آسه‌آن. محور را آغاز کرد و روابط چین و کشورهای آسه‌آن. تا اوایل ۱۹۹۰ عادی نبود. نقطه عطف روابط دو طرف زمانی بود که دیدگاه آسه‌آن. از چین به‌عنوان تهدید به فرصت طی بحران مالی آسیا در ۱۹۹۷ تغییر یافت (Hong, 2015:97). موضع کشورهای آسه‌آن با وقوع بحران پولی و مالی آسیای شرقی و برخورد منافع ابرقدرت‌ها مانند ایالات‌متحده و قدرت‌های بزرگی مانند اروپا و ژاپن و قدرت‌های منطقه‌ای نظیر چین و کره جنوبی آشکار شد. با وقوع بحران ۱۹۹۷ اگرچه موضع اکثر کشورهای آسه‌آن. نظیر مالزی، فیلیپین، تایلند و حتی کره جنوبی به دلیل شرایط نامناسب صندوق بین‌المللی پول، نسبت به طرح صندوق پول آسیایی ژاپن مثبت

¹ Mulin Youhao

² Mulin, Anlin, Fulin

³ Beijing

⁴ Jiang Zemin

بود، اما کشورهایمانند سنگاپور، چین، ایالات متحده و استرالیا به دلیل عدم همخوانی با منافع خود، مخالف واگذاری ایفای نقش بیشتر توسط ژاپن شدند (Hornung, 2010:18,19)؛ و همین اختلاف در آرا کشورهای آسه آن نیز قابل رویت بود.

با بررسی روابط چین و آسه آن در طول بیش از نیم قرن، می توان تقسیم بندی ای کلی از روابط دوطرفه ترسیم کرد؛ دوره اول که دوره خصومت بود از دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و کشورهای منطقه نسبت به سیاستها و اقدامات چین آگاهی چندانی نداشتند. در این دوره درگیری هایی بین کشورهای آسه آن و چین مرتباً رخ می داد؛ دوره دوم، گرم شدن روابط نیز از اوایل دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و با افزایش مراودات بین دو طرف، محرکاتی برای شکل گیری روابط مستحکم تر به وجود آمد؛ در دوره سوم یا دوره وابستگی متقابل که از اواخر دهه ۱۹۹۰ با وقوع بحران پولی و مالی آسیای شرقی آغاز شد، چین به دنبال ایفای نقش بیشتری در منطقه هم جوار خود بود و به دلیل رشد اقتصاد خود توان آن را هم داشت. در همین راستا دوره چهارم یعنی دیپلماسی تهاجمی (منظور تشدید اقدامات) چین ظهور کرد و در طی نزدیک به دو دهه، چین توانست وضعیت وابستگی متقابل را تا حدود زیادی به نفع خود تغییر دهد.

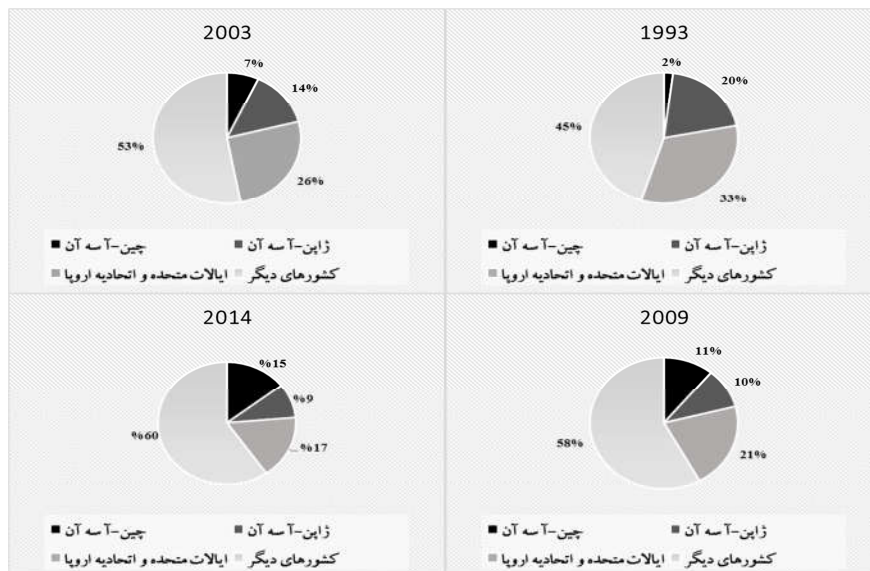
۳. وابستگی متقابل (متقارن، نامتقارن) آسه آن

کشورهای آسه آن بعد از دهه ۱۹۹۰ به سمت همکاری اقتصادی فزاینده با دو کشور چین و ژاپن حرکت کردند. شروع همکاری های دو و چندجانبه نویدبخش توسعه و تعمیق ابعاد گوناگون تعاملات بین آسه آن به عنوان یک کل و چین و ژاپن بود که در اوایل قرن ۲۱ روند آن شدیداً رو به افزایش گذاشت (رمضانی، ۱۳۹۷: ۱۹-۲۰). با قدرت گیری چین در دهه ۱۹۹۰، رقابت های چین و ژاپن کم کم آشکارتر شد و نمود بارزتری به خود گرفت. با نمایان شدن رقابت های اقتصادی دو کشور در منطقه، موضع اقتصادی آسه آن نیز قابل تشخیص تر شد. چین از اوایل دهه ۱۹۹۰ بعد از گذشت دو دهه همکاری اقتصادی با آسه آن تا سال ۲۰۱۰ توانست سهم خود از تجارت کل آسه آن را به صورت چشمگیری افزایش دهد. برای درک بهتر این موضوع نمودار شماره ۱ به صورت مقایسه ای آورده شده است. حجم تجارت چین با آسه آن در اوایل دهه ۱۹۹۰ برابر با ۲ درصد از حجم کل تجارت آسه آن بود که این رقم تا سال ۲۰۱۴ به ۱۵ درصد افزایش یافت. حجم تجارت ژاپن با آسه آن در همین بازه زمانی تقریباً نصف شده است که این نشان دهنده پیچیدگی روابط بین کشورها و تغییر ویژگی های تعاملات در اقتصاد جهانی

است.

سهم تجارت چین در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ نیز افزایش را نشان می‌دهد که به ترتیب به ۱۵/۲ و ۱۶/۵ درصد از حجم کل تجارت آسه‌آن رسیده است. در مقابل سهم ژاپن از تجارت با آسه‌آن ثابت نبوده و فراز و نشیب‌هایی داشته است. آسه‌آن در تجارت دوجانبه با چین و ژاپن دارای تراز منفی تجاری است که به ترتیب ۸۰/۹- و ۹/۸- میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ بود (ASEAN Secretariat, 2017(A): 23,26)

نمودار شماره ۱. تجارت خارجی چین و ژاپن با آسه‌آن. ۲۰۱۴-۱۹۹۳ (درصد از کل تجارت)



منبع: (ASEAN Secretariat, 2010:22; ASEAN Secretariat, 2015:25)

به نظر می‌رسد چین سهم برخی از شرکا اصلی آسه‌آن را به تدریج از آن خود کرده است. به گونه‌ای که ترازهای مثبت تجاری روسیه و ژاپن، ایالات متحده، اتحادیه اروپا با آسه‌آن در دوره زمانی ۲۰ ساله (از ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵) کاهش یافته، این شاخص برای کشورهایی مثل چین، کره جنوبی و هند افزایش یافته است (ASEAN Secretariat, 2016: 26; ASEAN Secretariat, 2017(A): 26; Basu Das, 2017: 8) داشت که آمار مذکور تمام ماجرا نیست و همان‌طور که در ادامه مباحث را از نظر

جایگاه چین و ژاپن در سیاست اقتصادی آسه آن ۴۳۵

خواهیم گذراند، متوجه می‌شویم موضوع کمی پیچیده‌تر از این آمار به ظاهر ساده و زود فهم است. آنچه در اینجا باید مدنظر قرار گیرد این است که اگرچه این نهاد رو به رشد منطقه‌ای موفقیت‌هایی را در کارنامه خود به ثبت رسانیده است، اما در مورد آسه آن به عنوان یک کل، از انسجام و هماهنگی کامل نمی‌توان سخن به میان آورد. برای درک جایگاه چین و ژاپن در سیاست اقتصادی آسه آن باید علاوه بر بررسی موضع کلی این سازمان، آن را به اجزا خرد خود یعنی اعضای حاضر (۱۰ کشور) تقسیم کرد و موضع هریک از این کشورها را نیز با توجه به منافع و یا گرایش سیاسی آن‌ها مورد بررسی قرار داد.

جدول شماره ۱. تجارت کشورهای آسه آن با چین (میلیون دلار)

	۲۰۱۲		۲۰۰۸		۲۰۰۴	
	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات
فیلیپین	۶/۱۵۹	۷/۱۳۶	۵/۴۶۶	۴/۲۴۹	۲/۶۵۳	۲/۶۵۹
اندونزی	۲۱/۶۵۹	۲۹/۳۸۵	۱۱/۶۳۶	۱۵/۲۴۷	۴/۶۰۴	۴/۱۰۱
مالزی	۲۸/۷۵۳	۲۹/۷۳۲	۱۸/۴۲۱	۱۸/۶۴۵	۸/۶۳۳	۱۱/۳۵۲
تایلند	۲۶/۸۹۹	۳۶/۹۵۶	۱۵/۹۳۰	۱۹/۹۳۶	۷/۰۹۷	۸/۱۸۲
ویتنام	۱۲/۳۴۴	۲۸/۶۱۸	۴/۴۹۱	۱۵/۵۴۵	۲/۷۱۰	۴/۴۱۶
سنگاپور	۴۴/۳۰۰	۳۹/۷۰۹	۳۰/۹۷۵	۳۳/۶۸۲	۱۵/۳۶۵	۱۶/۱۸۴
میانمار	۱/۷۸۵	۲/۲۶۹	۴۹۹	۶۷۱/۴	۷۴/۷	۳۵۱/۴
کامبوج	۱۷۸	۲/۲۲۷	۱۲/۹	۹۳۳/۴	۱۲/۳	۳۳۶/۹
برونئی	۳۵۱/۶	۲۹۴/۴	۳۸/۷	۱۷۳/۲	۲۴۲/۵	۸۷/۳
لائوس	۱۰۷/۷	۵۱۸/۱	۱۵/۲	۱۳۱/۴	۰/۹۸۵	۸۹/۳
آسه آن	۱۴۲/۵۳۹	۱۷۶/۸۴۹	۸۷/۴۸۹	۱۰۹/۲۱۶	۴۱/۳۹۶	۴۷/۷۶۲

ادامه جدول شماره ۱. تجارت کشورهای آسه‌آن با چین (میلیون دلار)

	۲۰۱۷		۲۰۱۶		۲۰۱۴	
	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات
فیلیپین	۷/۵۰۰	۱۹/۶۰۰	۶/۱۹۲	۷/۵۰۰	۱۹/۶۰۰	۶/۱۹۲
اندونزی	۲۳۰۰۰	۳۵/۸۰۰	۱۶/۷۹۰	۲۳۰۰۰	۳۵/۸۰۰	۱۶/۷۹۰
مالزی	۲۹/۴۰۰	۳۸/۳۰۰	۲۳/۷۱۹	۲۹/۴۰۰	۳۸/۳۰۰	۲۳/۷۱۹
تایلند	۲۹/۴۰۰	۴۴/۲۰۰	۲۳/۸۰۹	۲۹/۴۰۰	۴۴/۲۰۰	۲۳/۸۰۹
ویتنام	۳۵/۵۰۰	۵۸/۳۰۰	۲۱/۹۳۹	۳۵/۵۰۰	۵۸/۳۰۰	۲۱/۹۳۹
سنگاپور	۵۴۰۰۰	۴۵/۳۰۰	۴۴/۳۳۶	۵۴۰۰۰	۴۵/۳۰۰	۴۴/۳۳۶
میانمار	۵/۴۰۰	۶/۱۰۰	۴/۷۶۶	۵/۴۰۰	۶/۱۰۰	۴/۷۶۶
کامبوج	۰/۸۰۰	۵/۳۰۰	۶۰۹/۴	۰/۸۰۰	۵/۳۰۰	۶۰۹/۴
برونئی	۰/۲۰۰	۰/۶۰۰	۲۲۵/۹	۰/۲۰۰	۰/۶۰۰	۲۲۵/۹
لائوس	۱/۲۰۰	۱۰۰۰	۱/۱۲۸	۱/۲۰۰	۱۰۰۰	۱/۱۲۸
آسه‌آن	۱۸۶/۵۰۰	۲۴۵/۵۰۰	۱۴۳/۵۱۸	۱۸۶/۵۰۰	۲۴۵/۵۰۰	۱۴۳/۵۱۸

منبع: (ASEAN Secretariat, 2018).

در جدول شماره ۱ تجارت دوجانبه کالا بین کشورهای آسه‌آن با چین آورده شده که بر اساس این آمار می‌توان به میزان روابط دوطرفه پی برد. چین با اکثر کشورهای آسه‌آن به جز لائوس و سنگاپور تراز مثبت تجاری دارد. تسلط مبادلاتی چین در برخی از این کشورها مانند کامبوج، ویتنام و فیلیپین بیش از کشورهای دیگر است. منظور از تسلط بیش از دو برابر بودن حجم صادرات چین نسبت به واردات از کشورهای مذکور است. در کشورهای دیگر نیز ما شاهد سلطه کامل چین در مبادلات تجاری هستیم به عنوان مثال: در حالی که صادرات چین به کشورهای اندونزی، مالزی، تایلند و میانمار در سال ۲۰۱۶ به ترتیب ۳۰، ۳۴، ۴۲ و ۵ میلیارد دلار بوده، اما واردات چین در همین سال به ترتیب برابر با ۱۶، ۲۳، ۲۳ و ۴ میلیارد دلار ثبت شده است. این آمار اهمیت، نفوذ و تا حدودی گرایش‌های کشورهای منطقه را آشکار می‌سازد.

جایگاه چین و ژاپن در سیاست اقتصادی آسه آن ۴۳۷

جدول شماره ۲. تجارت کشورهای آسه آن با ژاپن (میلیون دلار)

۲۰۱۲		۲۰۱۰		۲۰۰۷		۲۰۰۴		
صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	
۵/۷۲۵	۲۲۲/۶	۳/۸۳۸	۲۴۹/۷	۲/۵۶۰	۱۷۷/۵	۱/۸۷۲	۱۳۸/۲	برونئی
۱۸۴/۲	۲۳۹/۷	۸۹/۸	۱۳۷/۳	۳۸/۸	۱۴۴/۹	۲۳/۲	۸۲/۷	کامبوج
۳۰/۱۳۵	۲۲/۷۶۷	۲۵/۷۸۱	۱۵/۷۶۹	۲۰/۳۷۲	۵/۵۰۳	۱۵/۹۶۲	۶/۰۸۱	اندونزی
۳۰/۵	۷۲	۲۶/۸	۳۲/۶	۴/۴	۳۶/۴	۰/۴۹۴	۱۵/۴	لائوس
۲۷/۰۰۵	۲۰/۱۹۲	۲۰/۷۶۷	۲۰/۷۱۱	۱۶/۰۸۵	۱۹/۰۸۲	۱۲/۷۷۶	۱۶/۷۷۲	مالزی
۳۶۰/۷	۱/۰۵۳	۲۱۷/۵	۲۱۷/۲	۱۸۶/۱	۲۳۸/۷	۱۱۶/۶	۲۲۲/۶	میانمار
۹/۸۸۱	۶/۹۶۰	۷/۸۲۶	۷/۳۰۴	۷/۳۰۴	۶/۸۴۱	۷/۹۸۲	۷/۶۷۳	فیلیپین
۱۸/۰۸۲	۲۳/۹۷۵	۱۶/۴۰۶	۲۴/۶۴۱	۱۴/۳۷۳	۲۱/۷۶۷	۱۱/۵۵۶	۱۹/۰۸۹	سنگاپور
۲۳/۴۸۷	۴۹/۵۷۹	۲۰/۳۰۸	۳۷/۸۵۵	۱۸/۱۳۳	۲۸/۲۷۹	۱۳/۴۹۴	۲۲/۴۹۱	تایلند
۱۳/۰۴۰	۱۱/۴۶۱	۷/۷۲۷	۹/۰۱۶	۶/۰۶۵	۶/۰۷۱	۳/۴۷۵	۳/۵۲۴	ویتنام
۱۲۷/۹۳۲	۱۳۶/۵۲۶	۱۰۲/۹۹۰	۱۱۵/۹۳۶	۸۵/۱۲۳	۸۸/۱۴۴	۶۷/۲۶۱	۷۶/۰۹۳	آسه آن

ادامه جدول شماره ۲. تجارت کشورهای آسه آن با ژاپن (میلیون دلار)

۲۰۱۷		۲۰۱۶		۲۰۱۴		
صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	
۱/۴۰۰	۰/۱۰۰	۱/۶۸۷	۱۱۴/۸	۳/۹۳۲	۱۴۵	برونئی
۰/۹۰۰	۰/۶۰۰	۸۲۷/۲	۵۲۸/۲	۳۴۴/۸	۲۶۳/۹	کامبوج
۱۷/۸۰۰	۱۵/۲۰۰	۱۶/۰۹۸	۱۲/۹۸۴	۲۳/۱۱۷	۱۷/۰۰۷	اندونزی
۰/۱۰۰	۰/۱۰۰	۵۷/۹	۸۸/۸	۵۳/۴	۹۰/۵	لائوس
۱۷/۶۰۰	۱۴/۸۰۰	۱۵/۲۳۲	۱۳/۷۴۶	۲۵/۲۳۲	۱۶/۷۳۱	مالزی
۰/۹۰۰	۱/۱۰۰	۶۶۳/۴	۱/۲۵۴	۵۲۲/۵	۱/۶۴۷	میانمار
۱۱۰۰۰	۱۲/۵۰۰	۱۱/۶۷۴	۱۰/۱۹۶	۱۳/۹۰۱	۵/۶۰۳	فیلیپین
۱۷/۱۰۰	۲۰/۵۰۰	۱۴/۵۶۲	۲۱/۳۱۵	۱۶/۷۴۲	۲۰/۳۵۳	سنگاپور
۲۲/۳۰۰	۳۲۰۰۰	۲۰/۵۶۳	۳۰/۶۷۷	۲۱/۸۲۰	۳۵/۷۱۰	تایلند

دوره دوم / شماره ۲ / پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۱۶/۹۰۰	۱۶/۶۰۰	۱۴/۶۶۹	۱۴/۹۴۸	۱۴/۴۹۰	۱۱/۳۸۲	ویتنام
۱۰۵/۸۰۰	۱۱۳/۵۰۰	۹۶/۰۳۶	۱۰۵/۸۵۵	۱۲۰/۱۵۸	۱۰۸/۹۳۶	آسه آن

منبع: (ASEAN Secretariat, 2018).

جدول شماره ۲ نیز آمار تجارت دوجانبه کالا بین کشورهای آسه‌آن و ژاپن را نشان می‌دهد. با اینکه حجم صادرات ژاپن در مقابل واردات این کشور از جنوب شرق آسیا بیشتر است، اما ژاپن نسبت به چین سلطه اقتصادی زیادی در منطقه ندارد. با این حال ژاپن در مبادلات کالا در سال ۲۰۱۶ با کشورهایی نظیر میانمار، سنگاپور و تایلند دارای تراز مثبت تجاری قابل ملاحظه است و در تجارت با کشورهایمانند برونئی، کامبوج، اندونزی، مالزی و فیلیپین تراز تجاری منفی دارد. کشورهای هم مانند لائوس و ویتنام اگرچه تراز تجاری منفی با ژاپن دارند، اما رقم آن چندان قابل ملاحظه نیست.

سانچیتا بسو داس^۱ معتقد است: اگرچه چین برای کشورهای منطقه به دلیل حجم فزاینده تجارت دوجانبه اهمیت بالایی دارد، اما این کشورها به دلیل نفوذ رو به گسترش چین در اقتصاد منطقه نگران‌اند و از سلطه اقتصادی بیشتر چین در هراسند (Basu Das, 2017). سرمایه‌گذاری‌های چین نیز در جنوب شرق آسیا قبل از دهه ۲۰۰۰ نوسانات بسیاری داشته و در سال‌های ۱۹۹۵، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰ به ترتیب ۱۵۲/۳، ۷۴/۹ و ۲۶/۴ میلیون دلار بوده است (ASEAN Secretariat, 2003:138). این رقم در دهه ۲۰۰۰ به تدریج و با نوسان کمتری افزایش یافت و از ۱۴۴ میلیون در سال ۲۰۰۱ به یک میلیارد در سال ۲۰۰۶ (ASEAN Secretariat, 2008:128)، ۱/۹ میلیارد در سال ۲۰۰۹ (ASEAN Secretariat, 2013:110)، ۳/۴ میلیارد در سال ۲۰۱۰، ۸/۱ میلیارد در سال ۲۰۱۲ و ۹/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته است (رمضانی، ۱۳۹۷: ۱۲۱). سرمایه‌گذاری مستقیم ژاپن در کشورهای آسه‌آن تفاوت بسیاری با چین دارد. بدین شکل که حجم سرمایه‌گذاری ژاپن در سال ۱۹۹۵، ۴/۲ میلیارد، در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ به ترتیب ۱/۳ میلیارد و ۱۳۵- میلیون دلار بود (ASEAN Secretariat, 2003:138). میزان سرمایه‌گذاری ژاپن با سقوط در اواخر دهه ۱۹۹۰، به کمترین حد خود رسید و در دهه ۲۰۰۰ به تدریج رشد خود را آغاز کرد و از ۱ میلیارد دلار در اوایل دهه ۲۰۰۰ به ۱۰/۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ رسید (ASEAN Secretariat, 2008: ۱۰/۷).

^۱. Sanchita Basu Das

128). این رقم تا سال ۲۰۱۱ فراز و نشیب‌هایی را طی کرد و در سال ۲۰۱۳ به اوج خود یعنی ۲۴/۳ میلیارد دلار رسید. در سال‌های بعد نیز این رقم بین ۱۱ تا ۱۴ میلیارد دلار نوسان داشت (ASEAN Secretariat, 2017(B):142). در این حوزه نیز آمار مذکور گویای روابط دوجانبه چین و ژاپن با آسه‌آن به عنوان یک کل است. برای پیدا کردن دید بهتر نسبت به موضوع، لازم است سرمایه‌گذاری چین و ژاپن در دو گروه (آسه‌آن شش^۱ و آسه‌آن چهار^۲) و تک‌تک کشورهای آسه‌آن نیز بررسی شود تا ترجیحات دو کشور چین و ژاپن مشخص شود.

به عنوان مثال: در حالی که حجم سرمایه‌گذاری چین در شش عضو اصلی آسه‌آن در سال ۲۰۰۷، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ به ترتیب ۱/۲، ۵/۶ و ۷/۴ میلیارد بود، سرمایه‌گذاری مستقیم در چهار کشور جدیدتر آسه‌آن در همین سال‌ها به ترتیب ۷۶۶ میلیون، ۱/۵ و ۲/۳ میلیارد دلار بوده است. در مقابل سرمایه‌گذاری مستقیم ژاپن در شش عضو اصلی آسه‌آن بسیار متغیر بوده و از ۷/۹ میلیارد در سال ۲۰۰۷ تا ۲۱/۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ ثبت شده است. سرمایه‌گذاری مستقیم ژاپن در چهار کشور جدیدتر آسه‌آن بسیار پایین و نسبت به حجم سرمایه‌گذاری در شش کشور اصلی ناچیز است. برای مثال: میزان سرمایه‌گذاری ژاپن در سال ۲۰۰۷، ۹۱۹/۸ میلیون، در سال ۲۰۱۳، ۲/۴ میلیارد و در سال ۲۰۱۶ ۱/۶ میلیارد دلار بوده است (ASEAN Secretariat, 2017(B):147,148). در اینجا نیز در حالی که آمار نشان‌دهنده اهمیت بیشتر کشورهای اصلی آسه‌آن برای ژاپن و توجه کمتر به کشورهای جدید است، چین با اینکه سرمایه‌گذاری بیشتری در کشورهای اصلی آسه‌آن انجام می‌دهد، اما توجه این کشور به چهار کشور هم‌مرز با خود یعنی آسه‌آن چهار (البته ویتنام تا حدودی مستثنا است) را می‌توان فهمید.

آمار مربوط به تک‌تک کشورهای آسه‌آن نیز نشان می‌دهد، ژاپن در کشورهایی مثل تایلند، سنگاپور، ویتنام، فیلیپین و تا حدودی مالزی سرمایه‌گذاری چشمگیری را به صورت دائمی انجام می‌دهد. چین نیز به برخی از کشورهای منطقه مانند کامبوج، لائوس، میانمار و سنگاپور گرایش بیشتری دارد. مالزی و ویتنام در سال ۲۰۱۶ شاهد افزایش چند صد درصدی سرمایه‌گذاری مستقیم چین هستند (ویتنام از ۳۸۱ میلیون در ۲۰۱۵ به ۹۶۹/۴ میلیون دلار در ۲۰۱۶ و مالزی از ۲۷۵/۲ میلیون به ۸۸۳/۱ میلیون

^۱ منظور شش کشور: اندونزی، مالزی، تایلند، فیلیپین، سنگاپور و برونئی است.

^۲ منظور ۴ کشور: کامبوج، لائوس، میانمار و ویتنام است.

دلار) (رمضانی، ۱۳۹۷: ۱۷۳، ۱۲۱). کشورهای آسه‌آن نیز با اقداماتی در تلاش‌اند قدرت فزاینده چین را مهار کنند و مانع وابستگی بیش از حد به این کشور شوند. یکی از اقدامات مهم آسه‌آن برای جلوگیری از نفوذ چین در منطقه، به صحنه آوردن بازیگران و شرکا تجاری دیگر یعنی تنوع‌دهی به شرکا تجاری است تا از این طریق بتوانند وزنه اقتصادی چین را کمتر کنند و به نوعی مانع وابستگی یک‌طرفه به این کشور شوند. بر اساس سایت آسه‌آن، این نهاد در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ نشست‌هایی را نه تنها با چین؛ بلکه با کشورهایمانند ژاپن، روسیه، هند، استرالیا، نیوزیلند و ترکیه برای تعمیق و گسترش همکاری دوجانبه برگزار کرده است. اقدامات ژاپن نیز نشان می‌دهد نه تنها با این عمل آسه‌آن کاملاً موافق است، بلکه خود این کشور هم تلاش دارد با به صحنه آوردن بازیگران بیشتر (مخصوصاً هند به دلیل جمعیت و پتانسیل این کشور) از قدرت‌گیری بیشتر چین جلوگیری کند. همان‌طور که در بخش قبل ذکر آن گذشت، جایگاه چین و ژاپن در سیاست اقتصادی آسه‌آن در دوره‌های تاریخی متفاوت، نوسان داشته و این کشورها به تدریج همکاری را به عنوان راهبرد غالب برگزیده و در راستای آن گام بر می‌دارند. جایگاه چین در سیاست اقتصادی آسه‌آن به صورت صعودی و فزاینده در حال افزایش است و این کشور با توان اقتصادی زیاد توانسته است جایگاه غالب را برای خود در اقتصاد کشورهای آسه‌آن پیدا کند. برخلاف چین، گرچه ژاپن نیز به عنوان یکی از شرکا اصلی آسه‌آن شناخته می‌شود و حجم مراودات دوجانبه قابل ملاحظه است، اما جایگاه این کشور در سیاست اقتصادی آسه‌آن به تدریج متوازن و متقارن شده و چین جای این کشور را به عنوان رقیب اصلی گرفته است.

۴. نتیجه‌گیری

چین و ژاپن در سال‌های اخیر به سمت تعمیق و توسعه همکاری اقتصادی با اعضا آسه‌آن حرکت کرده‌اند و این امر به نوبه خود، منجر به نزدیک‌تر شدن تبادلات دوجانبه شده است. با این حال روابط دوجانبه آسه‌آن با دو کشور چین و ژاپن، فراز و نشیب‌هایی را در طول زمان پشت سر گذاشته است. در حالی که روابط اقتصادی چین و آسه‌آن در قبل از سال ۱۹۹۵ و بعد از ۲۰۰۵، وضعیتی از وابستگی نامتقارن است؛ روابط دوجانبه آسه‌آن و چین در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴ را می‌توان وضعیتی از وابستگی متقابل و متقارن تلقی کرد؛ با این تفاوت که پیش از ۱۹۹۵، چین به آسه‌آن وابسته‌تر (وابستگی نامتقارن به نفع آسه‌آن) بود، اما از اواسط دهه ۲۰۰۰ به بعد، آسه‌آن به چین وابسته و

وابسته‌تر (وابستگی متقارن به نفع چین) شده است. بررسی میزان وابستگی آسه‌آن و ژاپن متفاوت‌تر از وضعیت فعلی آسه‌آن و چین بوده و می‌توان گفت حالتی عکس داشته است. به عنوان مثال: در حالی که روابط آسه‌آن و ژاپن قبل از دهه ۲۰۰۰، وابستگی نامتقارن به نفع ژاپن بود، در حال حاضر با وجود عدم ثبات کامل در روابط دوجانبه، وضعیتی از وابستگی تقریباً متقارن در مبادلات دو طرف حاکم است. سلطه فزاینده چین در مبادلات اقتصادی با آسه‌آن، محرکی برای نگرانی مشترک آسه‌آن و ژاپن جهت به میدان آوردن بازیگران و شرکا تجاری دیگر در راستای جلوگیری از وابستگی بیشتر به این کشور است. به همین دلیل کشورهای جنوب شرق آسیا، در قالب آسه‌آن سعی دارند توازن دادوستد با کشورهای مختلف را از طریق تنوع‌دهی به شرکا تجاری برقرار سازند. در همین راستا آمار مربوط به این حوزه نشان‌دهنده این واقعیت است که آسه‌آن به تدریج از وابستگی صرف به چند کشور و یا نهاد منطقه‌ای کاسته و بر تعداد شرکا تجاری خود افزوده است (البته شرکا بیشتر الزاماً به معنی وابستگی کمتر به یک یا چند کشور نیست، کما اینکه چین و کره جنوبی شرکا غالبی در مقابل آسه‌آن هستند). کره جنوبی یکی از شرکا مهم تجاری آسه‌آن است که روابط دوجانبه آن‌ها وضعیتی از وابستگی نامتقارن به نفع کره جنوبی است. ایالات‌متحده و اتحادیه اروپا از شرکا درجه یک آسه‌آن هستند و نزدیک به ۲۰ درصد کل تجارت آسه‌آن در سال ۲۰۱۷ با این دو طرف به ثبت رسیده است. قطعاً ایالات‌متحده نقش فعالی را دنبال می‌کند و افزایش نفوذ چین در منطقه جنوب شرق آسیا به عنوان محرک اصلی گسترش حضور ایالات‌متحده در نظر گرفته می‌شود. هند نیز یکی از کشورهای در حال توسعه است که به تدریج همکاری با آسه‌آن را گسترش داده و دو طرف در سال ۲۰۱۸ در راستای دو برابر کردن تلاش‌های خود برای تعمیق و گسترش همکاری موافقت کرده‌اند. آنچه از بررسی آمار دوجانبه مربوط به تعاملات اقتصادی آسه‌آن و هند نتیجه می‌شود نیز مؤید فزونی یافتن همکاری‌های بین دو طرف است. در اینجا باید این نکته را ذکر کرد که باوجود تلاش‌های اعضای آسه‌آن، چین به عنوان قدرتی در حال ظهور و توان اقتصادی بالا، جاذبه بالایی برای آسه‌آن دارد و علیرغم نگرانی‌های آسه‌آن هنوز اقدامی قاطعانه جهت محدود ساختن نفوذ فزاینده این کشور صورت نگرفته است. بررسی روابط اقتصادی آسه‌آن. وضعیتی وابستگی تقریباً متقارن با ژاپن و وابستگی نامتقارن به نفع چین را تأیید می‌کند. کشورهای آسه‌آن. با تعاملات گسترده دو و چندجانبه سعی دارند از وابستگی بیش از حد به هر کشوری جلوگیری کنند، اما به دلیل در حال توسعه بودن اکثر اعضای این

نهاد و توان اقتصادی اندک، ما شاهد افزایش نسبت صادرات به واردات آسه‌آن هستیم و این امر در رابطه با چین تفاوت زیادی را نشان می‌دهد. مبادلات اقتصادی ژاپن با آسه‌آن نیز در وضعیتی تقریباً متقارن (البته نه کاملاً و به نفع ژاپن) قرار دارد، اما حجم اقتصادی کمتر ژاپن و همچنین برخی سیاست‌های داخلی (نظیر حمایت‌گرایی از بخش کشاورزی) مانع مهم افزایش همکاری‌هاست که در سال‌های اخیر در حال رفع شدن است. نکته دیگری که باید در نظر گرفت منافع متفاوت و در برخی موارد متضاد کشورهای آسه‌آن است که این عامل تأثیر زیادی بر جهت‌گیری اعضای نهاد مذکور دارد. به عنوان مثال کشورهایی نظیر میانمار و کامبوج به دلیل سرمایه‌گذاری‌های چین بیشتر به این کشور تمایل دارند و در موارد بسیاری می‌توان گفت از سیاست‌های این کشور صرفاً تبعیت می‌کنند. کشورهایی مانند فیلیپین و ویتنام نیز مشکلاتی با چین دارند و کشوری مانند اندونزی که سعی دارد به عنوان رهبر آینده منطقه ایفای نقش کند و تا حدودی مالزی در سال‌های اخیر (دوران ماهاتیر محمد) در پی سیاست‌هایی هستند که مانع از نفوذ بیش از حد چین شود. ژاپن نیز سعی دارد با کمک‌های توسعه و سرمایه‌گذاری کشورهایی مانند فیلیپین و ویتنام (دارای اختلاف با چین) و همچنین کشورهایی مانند اندونزی، سنگاپور و تایلند را به سمت خود جذب کند. آینده روابط و موضع اقتصادی آسه‌آن، در بستر فعالیت‌های آتی این نهاد و اقدامات بعدی قدرت‌های دیگر شکل خواهد گرفت، اما آنچه آشکار است تمایل آسه‌آن برای ادامه همکاری با چین به واسطه حجم اقتصادی بیشتر و بازار مصرف و ژاپن به واسطه فن‌آوری بالا است و با حل برخی مشکلات در حوزه سیاسی و امنیتی و همچنین اعتمادسازی (که تا حدودی انجام گرفته است)، چشم‌انداز امیدبخشی برای روابط فزاینده دو و چندجانبه طرفین متصور خواهیم بود.

منابع

- رمضانی، احمد. (۱۳۹۷). *رقابت‌های اقتصادی چین و ژاپن در آسیای جنوب شرقی*، تهران: سخنوران.
- سیف‌زاده، سید حسین. (۱۳۸۳). *اصول روابط بین‌الملل* (الف و ب)، تهران: نشر میزان.
- سیف‌زاده، سید حسین. (۱۳۸۴). *نظریه‌ها و تئوریهای مختلف در روابط بین‌الملل فردی-جهانی شده: مناسبت و کارآمدی*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه

References

- Abravanel, Genevieve (2012). *Americanizing Britain: The Rise of Modernism in the Age of the Entertainment Empire*. New York: Oxford University Press.
- ASEAN Secretariat (2003). "ASEAN Statistical Yearbook 2003", Available at: <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/apcity/unpan015280.pdf>.
- ASEAN Secretariat (2008). "ASEAN Statistical Yearbook 2008", Available at: http://www.aseanstats.org/wp-content/uploads/2017/07/ASYB_2008.pdf.
- ASEAN Secretariat (2010). "ASEAN Economic Community (AEC): Chartbook", Available at: <http://www.aseanstats.org/wp-content/uploads/2016/11/AEC-Chartbook-2010-1.pdf>.
- ASEAN Secretariat (2013). "ASEAN Statistical Yearbook 2013", Available at: <http://www.aseanstats.org/wp-content/uploads/2016/10/asean-statistical-yearbook-2013-publication.pdf>.
- ASEAN Secretariat (2015). "ASEAN Economic Community (AEC): Chartbook", Available at: <http://asean.org/storage/2016/06/12.-April-2016-ASEAN-Economic-Community-AEC-Chartbook-2015.pdf>.
- ASEAN Secretariat (2016). *ASEAN Economic Community (AEC): Chartbook*. Available at: <http://www.aseanstats.org/wp-content/uploads/2016/11/AEC-Chartbook-2016-1.pdf>.
- ASEAN Secretariat (2017)(A). *ASEAN Economic Community (AEC): Chartbook*. Available at: http://www.aseanstats.org/wp-content/uploads/2018/01/AEC_Chartbook_2017.pdf.
- ASEAN Secretariat (2017)(B). "ASEAN Statistical Yearbook 2016/2017", Available at: http://www.aseanstats.org/wp-content/uploads/2018/01/ASYB_2017-rev.pdf.

- ASEAN Secretariat (2018). "*ASEANstats*", Available at: <https://data.aseanstats.org/trade.php>. (Access on June 26, 2018).
- Basu Das, Sanchita (2017). Southeast Asia Worries over Growing Economic Dependence on China, *Institute of Southeast Asian Studies (ISEAS)–Yusof Ishak Institute*, No 81, p. 1-12.
- Cooper, Richard N. (1972). "Economic Interdependence and Foreign Policy in the Seventies", *World Politics*, Vol. 24, No. 2, 159-181.
- Federspiel, Howard M (2007). *Sultans, Shamans, and Saints: Islam and Muslims in Southeast Asia*. Honolulu: University of Hawai'i Press.
- Hong, Zhao (2015). *China and ASEAN: Energy Security, Cooperation and Competition*. Singapore: ISEAS.
- Hornung, Jeffrey (2010). "Japan's Cooperative Leadership", *American Political Science Association Annual Meeting Paper*, p. 1-31.
- Jianwei, Wang (2013). *Great Power Relations and Their Impact on Japan-Southeast Asian Relations: A Chinese Perspective* In: *Japan's Relations with Southeast Asia: The Fukuda Doctrine and Beyond*, Lam Peng Er, London & New York: Routledge.
- Keohane, Robert O; Nye, Joseph (2012). *Power and Interdependence*, 4 editions. Boston: Longman - Pearson Classics in Political Science.
- Keyuan, Zou (2009). *China-Asean Relations and International Law*. UK: Chandos Publishing.
- Nagy, Helga; Bilsland, Christine & Smith, Philip (2013). "Exporting Work-Integrated Learning to Asian Environment" In: *Proceedings of the International Conference on Managing the Asian Century: ICMAC 2013*, Purnendu Mandal, Berlin & Singapore: Springer Science+Business Media.
- Nau, Henry R (1979). "From integration to interdependence: gains, losses, and continuing gaps", *International Organization*, Volume 33, Issue 1.
- Pu, Xiaoyu (2017). "Interdependent Rivals: China's Economic Statecraft towards Japan" In: *China's Economic Statecraft: Co-optation, Cooperation, and Coercion*, Mingjiang Li, Singapore: World Scientific Publishing.
- Rosecrance, Richard; Alexandroff, A; Koehler, W; Kroll, J; Laqueur, S & Stocker, J. (1977). "Whither Interdependence?", *International Organization*, Vol. 31, No. 3, 425-471.
- Xinbo, Wu (2009). "Chinese Perspectives on Building an East Asian Community in the Twenty-first Century" In: *Asia's New Multilateralism: Cooperation, Competition, and the Search for Community*, Michael J. Green; Bates Gill, New York: Columbia University Press.
- Yamashita, Shoichi (1995). "Japan's Role as a Regional Technological Integrator and the Black Box Phenomenon in the Process of Technology Transfer" In: *The Emerging Technological Trajectory of the Pacific Rim*, Denis Fred Simon, New York: M. E.

- Sharpe.
- Yang, Mu; Heng, Michael S. H (2012). **Global Financial Crisis and Challenges for China**. Singapore: World Scientific Publishing.
- Yasutomo, Dennis T (2000). "Japan's Multilateral Assistance Leadership: Momentum or Malaise?" In: *Facing Asia - Japan's Role in the Political and Economic Dynamism of Regional Cooperation*. Verena Blechinger; Jochen Legewie, Michigan: H-US-Japan.
- Zha, Daojiong (2004). "The politics of China-ASEAN economic relations: assessing the move towards a free trade area" In: *Asian Regional Governance: Crisis and Change*, Kanishka Jayasuriya, London and New York: Routledge Curzon.
- Zhuang, juzhong; Suphachalasai, Suphachol & Samson, Jindra Nuella (2013). "The Economics of Climate Change in Southeast Asia" In: *Human Security and Climate Change in Southeast Asia: Managing Risk and Resilience*, Lorraine M Elliott; Mely Caballero-Anthony, London & New York: Routledge.